



هلن کلر اجازه نداد که نابینایی و ناشنوایی اش مانع از آن شود که زندگی خود را وقف انسانهای بد اقبال تر از خویش کند. وینستون چرچیل دانش آموز فقیری بود که از لکنت زبان رنج می برد اما نه تنها در بیست و چهار سالگی برنده جایزه نوبل شد بلکه توانست یکی از نافذترین سخنرانان دوران اخیر گردد. توماس ادیسون را از مدرسه بیرون انداخته بودند . عظیم الجثه مردی که توانست ورزیده ترین اندام را برای خود بسازد ، در آغاز یک انسان ضعیف چهل و سه کیلویی بود.

مهم نیست که از کجا آغاز می کنید، مهم آن نقطه ای است که برای خاتمه بر

می گزینید.

مشکلات

ما پیوسته با فرصتهای بزرگی مواجه می شویم که زیرکانه خود را در قالب مشکلات

لاینحل از ما پنهان می کنند.

ما برای حل مسایل و مشکلات و یافتن راه های تازه برای حل مسائل طراحی شده

ایم. مشکلات بخشی از میراث جهان هستند که ما را برای رهایی از خود به سوی یادگیری و

تجربه می رانند ویژگی منحصر بفرد انسان بودن تلاش پیگیر تجربه اندوزی است ، شما می

توانید از هیچ ، چیزی بسازید ، از نظر کسی که مثبت فکر می کند یک مشکل صرفا موقعیتی

تازه برای یاد گرفتن است.



مشکلات دامنه ذهن ما را وسعت می بخشند به قول هوراس (بدبختی، نبوغ را
نمایان می سازد و خوشبختی آن را می پوشاند)

اشتباهات

ما از شکستهای خود به مراتب بیشتر از پیروزیهایمان درس می گیریم، زیرا وقتی
بازنده می شویم به فکر و تامل و تجزیه و سازماندهی مجدد می پردازیم و طرحها و تاکتیک
های تازه بنا می کنیم، اما وقتی برنده می شویم فقط جشن می گیریم چیز تازه ای یاد
نمی گیریم و این خود دلیل دیگری برای گرامی داشتن اشتباهات است.
توماس جی واتسون موسس کارخانه آبی بی ام گفته است : راه دستیابی به موفقیت،
مضاعف کردن میزان شکست هاست.

قانون کاشت و برداشت

هر انسانی در جایی قرار دارد که قانون حیات او برایش تعیین کرده است. افکار و
اندیشه هایی که به شخصیت خود القا کرده او را به این نقطه کشانده است در زندگی انسان
عاملی به نام بخت وجود ندارد بلکه هر چه هست نتیجه قانونی است که خطابردار نیست.
انسان تا آن زمانی که خود را موجودی ناگزیر از قبول شرایط بیرونی تصور می کند حصار
محیط و شرایط است اما وقتی به قدرت خلاقه خود پی برد و دانست که می تواند بر خاک و
دانه های پنهان هستی خود حکم براند، خاک و دانه ای که شرایط خود از آن زاده می شود ،

